

تروریسم و حقوق بشر

حسن خداوردی*

چکیده

شاید یکی از اساسی‌ترین مسائل جهانی بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر موضوعات تروریسم و حقوق بشر باشد. به نظر می‌رسد در نزد علمای حقوق و اندیشمندان روابط بین‌الملل در تعریف این دو مفهوم اتفاق نظر خاصی وجود ندارد. زیرا تعریف تروریسم و حقوق بشر متأثر از تضادهای ارزشی و ضوابط مورد نظر صاحب نظران و دولتمردان می‌باشد. بر همین اساس اندیشمندان و سیاستمداران باید تروریسم را به طور ریشه‌ای مورد مطالعه و تدقیق قرار دهند و با توجه به بررسی‌های انجام شده در راستای محور ریشه‌های تروریسم و ارتقای حقوق بشر تلاش نمایند.

واژگان کلیدی

تروریسم - خشونت - حقوق بشر - حقوق بین‌الملل.

مقدمه

موضوع تروریسم و حقوق بشر، پیوسته در روابط بین‌الملل مطرح بوده است ولی پس از جنگ جهانی دوم، شناسایی حقوق بشر در سطح بین‌المللی با منعکس شدن پاره‌ای از اصول آن در منشور ملل متحد شروع شد و با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ حقوق بشر در سطح جهانی مطرح گردید. همچنین موضوع تروریسم نیز پس از دهه

* عضو هیأت علمی تمام وقت گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

۱۹۷۰ افزایش هواپیمارمایی‌ها، بیشتر مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت، به نحویکه کنوانسیون مبارزه با تروریسم در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ در مجمع سازمان ملل تدوین شد و جدیدترین اقدام مجمع عمومی در این زمینه تصویب کنواسیون بین‌المللی منع حمایت مالی از تروریسم می‌باشد ولی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، فصل جدید در باب تروریسم و حقوق بشر گشوده شد و صحنه روابط بین‌الملل نگرش جدید و بسیار پررنگی نسبت به مسأله تروریسم و حقوق بشر پیدا کرد. به این شکل بازیگران صحنه جهانی اعم از دولت‌ها، سازمانهای بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای در قبال این حادثه موضع‌گیری و همگی پدیده تروریسم را محکوم کرده، آن را نقض حقوق بشر تلقی کردند.

با توجه به آنچه که در مقدمه اشاره شد، نوشتار حاضر در تلاش است تا ضمن ارائه تعریفی از دو واژه «تروریسم» و «حقوق بشر» رابطه آنها با یکدیگر را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

تعریف تروریسم

ارائه تعریف دقیق از واژه تروریسم کار بسیار دشواری است، چراکه این واژه برای گروههای مختلف معانی گوناگونی دارد. در این جا به برخی از تعاریف ارائه شده اشاره می‌کنیم:

- * الگوی نظام یافته‌ای از رفتار خشونت‌آمیز که به نوعی طراحی شده است، تا جمعیتی تهدید شوند و بدین ترتیب سیاست‌های دولت خاص تحت تأثیر قرار گیرد.
- * علمی نهادینه ولی معمول که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی خاص انجام می‌گیرد و همواره با کاربرد تهدید یا خشونت همراه است.
- * استفاده از زور، خشونت یا تهدید به منظور کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارعاب و قوای قهریه.
- * تقریباً ارتکاب هر عمل غیر قانونی که برای نیل به اهداف سیاسی صورت پذیرد.
- * خشونتی که با انگیزه‌ی سیاسی توسط گروههای کوچکی صورت می‌پذیرد که مدعی نمایندگی همه توده‌های مردم هستند.

به نظر می‌رسد همه این تعاریف علیرغم اختلافاتی که دارند، در دو مفهوم با یکدیگر مشترک اند: نخست، استفاده از خشونت به عنوان تاکتیکی برای ارباب توسط تروئیست‌های دست چپی و دست راستی. دوم استفاده از عمل غافلگیری که به تروئیست فرصت می‌دهد تا زمان و مکان را انتخاب کنند.

ایجاد رعب و وحشت راهی ارزان در دست تروئیست‌هاست تا به جنگی با نظم حاکم اجتماعی - سیاسی دامن زنند. بدین ترتیب برخی به خاطر شباهت جنگ و تروریسم آن را زیر مجموعه جنگ می‌دانند.

در یک بررسی، ویژگی‌های تروریسم به این شکل خلاصه شده است:

* استفاده‌ی منظم از قتل، جرح و تهدید برای دستیابی به یک هدف انقلابی مانند برپایی انقلاب سیاسی.

* وجود جو ترس، ارباب و تهدید.

* از دیدگاه تروئیست‌ها همه هدف هستند و هیچ کس در امان نیست، اهداف بدون تبعیض و تشخیص انتخاب می‌شوند.

* غیر قابل پیش بینی است.

* قانونهای حاکم بر جنگ‌های متعارف را قبول ندارد.

* از روش‌های وحشیانه مانند بمب‌گذاری یا ماشین، بمب دستی استفاده می‌شود.

* توجیه اخلاقی برای حرکات تروریستی، در فلسفه‌ی سیاسی گروه، قابل تشخیص است.

حال مفهوم تروریسم تا حدی شناخته شد، بهتر آن است که تقسیم بندی کلی نیز از تروریسم داشته باشیم. اصولاً تروریسم را می‌توان به انواع ذیل تقسیم کرد:

* تروریسم دولتی (state terrorism): که در آن سازمانهای دولتی و حکومتی، خود به کشتار شهروندان می‌پردازند. در این خصوص می‌توان به عملکرد رژیمهای مستبد و دیکتاتوری در قبال شهروندان اشاره نمود.

تسلیح فالانژهای لبنان از سوی اسرائیل در برابر مردم لبنان یا تسلیح ضد انقلابیون نیکاراگوئه در برابر مردم نیکاراگوئه از سوی دولت آمریکا اشاره نمود، یا حمایت نظامی و

سیاسی آمریکا از کسانی چون زاهدی، پینوشه و موسی چومبه در برابر حکومت‌های ملی دکتر مصدق در ایران، آینده در شیلی و لومومبا در کنگو.

* تروریسم محلی domestic terrorism: که در آن تروریست‌ها در داخل کشور خود، بر ضد حکومت دست به عملیاتی تروریستی می‌زنند و سرانجام تروریسمی که در قالب آن تروریست‌هایی از ملیت‌های مختلف در کشورهای دیگر اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند.

در تعریف و گونه‌شناسی پدیده تروریسم و مصادیق آن نباید از تأثیر قضاوت‌های ارزشی و ضوابط مورد نظر یک محقق و دولت غفلت نمود. ممکن است افراد یا گروه‌هایی از سوی یک دولت تروریست خوانده شوند ولی دولت‌های دیگری آنها را مبارزان راه آزادی بشناسند و بعنوان نمونه، از نظر دولت‌های آمریکا و اسرائیل و حتی محققان دارای گرایش‌های صهیونیستی، حزب الله لبنان و مبارزان فلسطینی مصادیق بارز تروریسم شناخته می‌شوند و باید ریشه آنها خشکانده شود ولی از دید مردم و رهبران بسیاری از کشورهای خاورمیانه اینگونه سازمانها و گروهها نه تنها تروریست نیستند بلکه به علت ایستادگی در برابر تجاوز و اشغال سرزمین شان باید مورد حمایت قرار گیرند.

مصادیق تروریسم تا آن حد مبهم است که پاره‌ای گروهها و افراد گاه به عنوان تروریست و زمانی دیگر به عنوان مبارزان راه آزادی شناخته می‌شوند. رونالد ریگان در سال ۱۹۸۵ در دیدار با مهاجران افغان آنان را مبارزان راه آزادی همچون بینانگذران آمریکا خواند و مورد حمایت مالی، سیاسی و نظامی قرار داد، ولی از سپتامبر ۲۰۰۱ برخی از همین افراد و گروهها از سوی دولت آمریکا تروریست تلقی می‌شوند.

شگفت‌انگیز است که در سال ۱۹۸۵ نلسون ماندلا رهبر کنگره‌های آفریقا به عنوان تروریست در زندان رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی زندانی بود، ولی هم اینک به عنوان مبارز راه آزادی و نماد مخالفت با نژاد پرستی، شایسته دریافت جایزه صلح نوبل قلمداد می‌گردد.

با وجود اختلاف در تعریف‌ها و مصداق‌ها، پدیده تروریسم یکی از مهمترین مسائل جهانی

در سالها و دهه های اخیر شناخته شده است، شمار عملیات تروریستی در سالهای اخیر به نسبت کاهش یافته، ولی شدت تخریب آنها بیشتر شده است. شمار عملیات تروریستی از ۴۸۴ مورد در سال ۱۹۹۱ به ۲۵۰ مورد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته است در حالی که در همین سال در نتیجه عملیات تروریستی ۵۱۰ تن کشته شده اند که از سال ۱۹۹۵، ۲۲۳ و از سال ۱۹۹۴، ۹۱ تن بیشتر بوده است.

تعریف حقوق بشر

حقوق بشر در ساده ترین و کوتاه ترین عبارت «حقوقی است که هر فرد به خاطر انسان بودن، دارا می باشد». اساس و پایه این حقوق اصل «تساوی» است. زیرا تمام انسانها همانند یکدیگر از مرتبه انسانی برخوردارند، علاوه بر این نمی توان افراد را از هیچ یک از این حقوق محروم کرد. زیرا انسانها هر چه قدر هم غیر انسانی رفتار کنند باز هم نوعاً انسان هستند. شرط اساسی برای تضمین رعایت حقوق بشر، وجود دولت، آن هم نظام دموکراتیک می باشد. در عین حال برخورداری از دولت دموکراتیک که منبعت از اراده آزادانه مردم هست، یکی از حقوق انسانی ملت ها محسوب می شود.

شناسایی حقوق بشر در سطح بین المللی با منعکس شدن پاره ای از اصول آن در منشور ملل متحد شروع شد. در مقدمه این منشور، از حقوق پایه ای انسانها و لزوم احترام به آن یاد شده است و در ماده یک آن از همکاری های بین المللی به منظور تشویق همگان به رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی... سخن به میان آمده است. طبعاً این یادآوری بسیار کلی و انتزاعی بوده و هیچ جنبه عملی و الزامی ندارد. اما نفس قضیه توانست در توسعه حقوق بشر مؤثر باشد.

پس از آن، مهمترین و معروف ترین متن حقوق بین الملل درباره حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و (پس از آن اعلامیه هایی در مورد حقوق اطفال، حذف تبعیض در مورد زنان، حذف تبعیضات نژادی به تصویب رسید) در این اعلامیه

حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی برشمرده و به صورت آرمان مشترک همه اقوام و ملت‌ها عرضه شده است، ولی فاقد ارزش عهدنامه‌های بین‌المللی است و کشورها تعهدی در قبال آن ندارند.

علاوه بر این اعلامیه، پیمان نامه‌هایی در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای بین کشورها امضاء شد. در سطح بین‌المللی باید از پیمان نامه‌هایی نام برد که در چارچوب ملل متحد به وسیله سازمان ملل یا نهادهای تخصصی آن تدوین شده است و گستره جهانی دارد. از جمله چهار پیمان نامه ژنو در سال ۱۹۴۹ درباره وضع اشخاص و دارایی‌های آنان در زمان جنگ، حقوق کودک، محو کلیه اشکال تبعیض است که با بیش از ۱۴۰ رأی به تصویب رسید اما پیمان‌های مشابه که در سال ۱۹۶۶ امضاء شد، به علت خودداری بعضی از کشورها تا سال ۱۹۷۶ وارد مرحله عمل نشد. در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، مجمع عمومی سازمان ملل دو پیمان نامه را تصویب کرد که بر خلاف اعلامیه ۱۹۴۸ جنبه الزامی داشت.

اولین پیمان نامه در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود که تحقق تدریجی آن در کشورهای در حال توسعه، براساس رعایت حقوق بشر و توجه به اقتصاد ملی مورد تقاضا بود و تا سال ۱۹۸۰ شصت و سه کشور و تا سال ۱۹۹۰ یکصد کشور به آن پیوستند.

دومین پیمان نامه در مورد حقوق سیاسی و مدنی و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، بوسیله خودشان بود که خواستار تحقق بلافاصله آن بودند و تا سال ۱۹۸۱ فقط ۱۶ کشور و تا سال ۱۹۹۰، ۹۵ کشور به آن پیوستند.

در سطح منطقه‌ای باید از پیمان نامه اروپایی حقوق بشر، در سال ۱۹۵۰ که در سال ۱۹۵۳ قدرت اجرایی پیدا کرد، نام برد که برای نخستین بار در زمینه حقوق بشر میان اخلاق و قدرت تعهدات داخلی دولت‌ها و روابط بین دولت‌ها پیوندی استوار ساخت. زیرا از یک سو به الزامات اخلاقی حقوق بشر پاسخ می‌گفت و از سوی دیگر قدرت دولت را پشتوانه اجرای آن قرار می‌داد. از یک سو موارد مطرح شده در این پیمان نامه در قوانین داخلی هم ملحوظ می‌شود و از سوی دیگر، کمیسیون اروپایی حقوق بشر متشکل از یک قاضی از هر کشور عضو، بر رعایت حقوق بشر در کشورهای عضو نظارت می‌کند. این پیمان نامه و

پروتنکلهای انضمامی در مورد ارگانهای اجرایی آن، خود به وجه اشتراک کشورهای تبدیل شده که به عضویت شورای اروپا (تأسیس در ۱۹۴۹) در آمده بودند (جز فرانسه که در سال ۱۹۸۱ به پیمان نامه پیوست).

حقوق اساسی شامل حق آزادی شغل با دستمزد کافی، حق بهبود شرایط زندگی، حق بهره مندی از حمایت اجتماعی، حق آزادی در همایش های جمعی، حق آموزش های شغلی، برابری زنان و مردان از حیث رفتار با آنان، سلامت محیط کار، حمایت از کودکان، حداقل مزد برای سالمندان، تطبیق اجتماعی و شغلی برای معلولین از جمله حقوقی هستند که در پیمان نامه ۱۹۵۰ و منشور اجتماعی اروپا پذیرفته شده است.

ابتکار عمل های اروپا در زمینه حقوق بشر مورد تقلید دیگر مناطق نیز قرار گرفت، از جمله می توان به پیمان نامه آمریکایی حقوق بشر که در سال ۱۹۶۹ بین کشورهای آمریکای لاتین امضا شد و «منشور وحدت آفریقایی حقوق بشر و ملت ها» در سال ۱۹۸۱ توسط سازمان وحدت آفریقا امضاء شد، بیانیه جهانی حقوق بشر اسلامی در سال ۱۹۸۱ از طریق یونسکو اعلام شد و در سال ۱۹۹۴ منشورهای حقوق بشر توسط اتحادیه عرب مورد پذیرش قرار گرفت.

اقدامات تروریستی، ناقض حقوق بشر

توسل به اعمال خشونت آمیز کور که باعث رعب و وحشت شود، خواه توسط دولت ها یا ارگانها و نهادهای وابسته به آن و خواه از سوی گروهها و سازمانهای غیردولتی، مغایر با بسیاری از موازین بین المللی، از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی، میثاقین حقوق بشر، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اصول نورنبرگ و کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو می باشد.

در مقدمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است که حقوق بشر، ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، به عبارت دیگر هر شخص تنها و فقط به خاطر انسان بودن و نه شهروندی یا تابع دولت بودن، مستحق برخورداری از این حقوق است. علاوه بر این، افراد

صراحتاً متعهد شده‌اند حقوق یک دیگر را رعایت کنند. مطابق ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و باید نسبت به یک دیگر با روح برادری رفتار کنند» مهمتر از آن، تأکید شده است که نه تنها دولت‌ها بلکه هیچ فرد یا جمعیتی نیز حق ندارد مقررات مندرج در اعلامیه جهانی و میثاقین حقوق بشر را از بین ببرد یا در آن راه فعالیت نمایند^(۱). آشکار است که تدوین‌کنندگان این ماده، علاوه بر دولت‌ها، افراد و گروه‌های غیردولتی را نیز موظف به رعایت حقوق بشری دانسته‌اند، چرا که پیش‌بینی می‌کردند امکان نقض یا سوء استفاده از حقوق بشر توسط مجموعه‌های غیردولتی نیز وجود دارد.

گروه‌های تروریستی با توسل به اقدامات خشونت‌آمیز کور علیه افراد بی‌گناه و ایجاد فضای ترس و هراس عمومی و صلح و ثبات اجتماعی، اساس دموکراتیک جامعه را که یکی از لوازم صلح حفظ و حراست از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است متزلزل می‌نمایند. اقدامات تروریستی علاوه بر آنکه به طور مستقیم حقوق و آزادی‌های فردی را خدشه دار می‌کند، به علت اختلال در نظم و صلح و ثبات اجتماعی و سیاسی، از یک سو شهروندان را از حق برخوردار از امنیت فردی و اجتماعی محروم می‌کند، از سوی دیگر زمینه (و در مواردی بهانه) را برای نقض فزاینده حقوق بشر و تهدید آزاد‌های اساسی توسط دولت‌ها را فراهم می‌آورد.

همکاری و مشارکت فعال برای از میان برداشتن تروریسم

معمولاً حملات تروریستی را جرایمی جدی دانسته‌اند که عاملان آنها باید براساس قوانین داخلی و در دادگاه‌های علنی مجازات شوند. معاهدات بین‌المللی متعددی که در این زمینه وجود دارد، دول متعاقد را مکلف می‌سازد تا برای سرکوب چنین جرایمی معاضدت قضایی لازم را به عمل آورند. و با اطمینان می‌توان ادعا نمود که تروریسم فراملی تروریسم مورد حمایت دولت‌ها یا تروریسمی که دولت بر آن چشم می‌پوشد جرمی بین‌المللی است

اماده ۳۰ اعلامیه جهانی شدن حقوق بشر.

و هم اکنون به موجب حقوق بین‌المللی عرفی به عنوان نوع مجزایی از اینگونه جرائم در نظر گرفته و ممنوع است.

این واقعیتی است که وقتی تعدادی از دولت‌ها به ویژه الجزایر، هندوستان، سری لانکا و ترکیه پیشنهاد کردند تروریسم به عنوان یکی از جرایم بین‌المللی شناسایی و در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرد، یعنی جرمی در حق بشریت شناخته شود^(۱)، بسیاری از دولت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا با چنین پیشنهادهای عمدتاً به چهار دلیل مخالفت ورزیدند:

۱- این جرم به خوبی تعریف نشده است.

۲- به نظر این دولتها درج این جرم در فهرست جرایم نسبت به بشریت، دادگاه بین‌المللی کیفری را سیاسی می‌سازد.

۳- برخی اقدامات تروریستی آن اندازه شدید نیستند که مستلزم صدور قرار تعقیب از سوی یک محکمه بین‌المللی باشد.

۴- به طور کلی، تعقیب و مجازات چنین جرایمی در دادگاههای داخلی کارآمدتر است تا دادگاههای بین‌المللی.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز با پیشنهاد درج این جرم در فهرست جرایم اساسنامه دادگاه یاد شده مخالفت کردند زیرا احساس می‌کردند اساسنامه باید میان تروریسم و مبارزاتی که مردم تحت سلطه خارجی یا استعمار برای تعیین سرنوشتشان انجام می‌دهند، قائل به تفکیک گردد، در نتیجه هم این پیشنهاد و هم پیشنهاد بعدی که هندوستان و سری لانکا و ترکیه مطرح کردند، رد شد. آراء صادر شده در دعاوی اخیر نیز هماهنگ با این گرایش‌های محتاطانه در است. در سال ۱۹۸۴ در دعوی که Tel orem برابر جمهوری عربی لیبی، دادگاه استیناف بخش کلمبیا اعلام داشت چون هیچ توافقی بر سر تعریف تروریسم به عنوان یک جرم بین‌المللی به موجب حقوقی بین‌المللی عرفی، وجود ندارد، این جرم صلاحیت جهانی را احراز نکرده است، در ۱۳ مارس ۲۰۰۱ در ماجرای تروریستی

ار.ک.به. A/conf.183/c.1.127

شدیدی که ادعا می‌شد قزافی در آن دخیل بوده است، دادگاه فرانسوی کاسون، اعلام داشت که تروریسم یک جرم بین‌المللی نیست که مستلزم از میان برداشتن مصونیت سران دولت‌ها باشد از همین رو رسیدگی‌های دادگاه‌های بدوی برضد رهبر لیبی باطل اعلام شد. حمله ۱۱ سپتامبر را روبرت با دینتر (Robert Badinter) حقوق دان برجسته فرانسوی و وزیر پیشین دادگستری، کوفی انان دبیر کل سازمان ملل متحد، و نیز مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، جرمی در حق بشریت دانسته‌اند. حقوق‌دانان برجسته بین‌المللی نیز همین نظر را داشته‌اند در واقع این اقدام دهشتناک همه مشخصات جرایم در حق بشریت را از خود نمایان می‌سازد. بزرگی و شدت بسیار حمله و نیز این واقعیت که غیر نظامیان هدف آن بوده‌اند، اهانتی به همه انسانها بوده است.

دولت‌ها نیازمند تلاشی مشترک هستند تا بتوانند زمینه‌های اصلی رشد منازعات بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای که پیش در آمدی برای شکل‌گیری تروریسم است را شناسایی، نسبت به از بین بردن آن اقدام کنند. کشورها موظفند برای از بین بردن ریشه‌های اصلی تروریسم دست به تلاش جهانی بزنند. برای شناسایی تخصصی عوامل بنیادین و اصلی شکل‌گیری تروریسم «کمیته ویژه سازمان ملل متحد در خصوص تروریسم» به وجود آمد. این کمیته پس از انجام تحقق و تفحص اصلی‌ترین علل به وجود آمدن تروریسم را اینگونه اعلام نمود: استفاده از زور برخلاف منشور سازمان ملل متحد، تجاوز به استقلال سیاسی، حاکمیت و یکسپارچگی سرزمین کشور‌های در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته، بی‌عدالتی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، استثمار، نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر، گرسنگی، قحطی و نیاز، فقر و غیره.

با توجه به مطالعه و تحقیق کمیته ویژه راجع به تروریسم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مکرراً از کشورها و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد، خواسته است تا برای خشک کردن تدریجی ریشه‌های تروریسم بین‌المللی اقدام نمایند، به همه شرایط موجود به خصوص استعمارگری و نژاد پرستی، نقض گسترده حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، سلطه بیگانگان و اشغال سرزمین‌ها که زمینه‌ها و بسترهای مناسبی برای رشد تروریسم بین‌المللی

پدید آوردند و بدین ترتیب صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌افکنند توجه ویژه‌ای مبدول دارند.

کشورها باید بکشوند نظام قانونی و قضایی خود را به گونه‌ای طراحی نمایند که مطابق و منطبق با توافقات و قراردادهای شناخته شده بین‌المللی باشد و به گونه‌ای عمل کنند که خود را عضو فعال جامعه بین‌المللی احساس نمایند. چنین رابطه‌ای پایاپایی برخاسته از روح و اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل یعنی ایمان و وفاداری به تعهدات و التزامات جهانی کشور در معاهدات و توافق‌نامه‌های مهم بین‌المللی می‌باشد. تلاش مشترک کشورها به منظور ایجاد موافقت‌نامه‌های جدید در این زمینه می‌تواند ادامه منطقی چنین همکاری‌های مشترکی تلقی گردد.

نتیجه‌گیری

استفاده از رویکرد حقوق بشری برای تجزیه تحلیل تروریسم بین‌المللی، فرصتی فراهم می‌آورد تا صاحب نظران و سیاستمداران، موضوع را به طور ریشه‌ای و بنیادین مورد مطالعه و بررسی قرار داده و به جای آنکه معضل تروریسم را تا سطح یک توطئه موهوم از جانب دولت یا گروهی از دولت‌ها تقلیل دهند یا اینکه آن را به بنیادگرایان اسلامی و کمونیسم بین‌الملل (دوران جنگ سرد) منتسب نماید، منصفانه و با دیدگاهی واقعیت‌گرایانه، موجبات اساسی یا عوامل زمینه ساز تروریسم را مشخص و در جهت رفع آنها همکاری نمایند.

با نگاهی گذرا به مناطق تروریسم خیز جهان، می‌توان به روشنی دریافت که تقریباً در همه موارد، حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی مردم به طور گسترده و فاحش نقض شده یا می‌شود. از سوی دیگر توسل به شیوه خشونت‌آمیز از سوی گروه‌های غیردولتی و ملت‌های تحت ستم خواه به شیوه‌های دولت‌های جنبش غیر متعهد «مبارزه رهایی بخش» قلمداد کنیم و خواه به سبک غربی‌ها «تروریسم» بدانیم، حقوق و آزادی‌های اساسی افراد بی‌گناه را به انحاء مختلف در معرض تهدید قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی سرانجام چاره‌ای جز توجه به زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش تروریسم که شکل گسترده‌ای

از سرکوب و اختناق سیاسی، فقر و فاصله طبقاتی، تبعیض، احساس سرخوردگی و ناکامی گرفته تا اشغال و سیطره خارجی بر ملت ها را در برمی گیرد نخواهد داشت. تنها در این صورت است که می توان به توقف دور باطل نقض حقوق بشر، خشونت و طغیان و نقض حقوق بشر امیدوار بود.

نکته آخر اینکه، طرح و بررسی پدیده تروریسم از زاویه نقش، حقوق بشر، یکی از نمودهای گرایش حقوق بین المللی به سمت اعتلای حقوق فرد و تحکیم بیشتر جایگاه افراد در حقوق بین الملل می باشد. شناسایی گروههای تروریستی (غیردولتی) به عنوان ناقضین حقوق بشر و آزادی های اساسی، راه را برای پیگیری جزایی و مجازات عاملان اعمال تروریسم بین المللی و حامیان (دولتی و غیردولتی) آنها در محاکم بین المللی هموار می کند.



یادداشت‌ها

- ۱- نعیمی، محمد کاظم: قرائت‌های مختلف از تروریسم و ضرورت برپایی کنوانسیون جدید: نشریه دیدگاهها و تحلیل‌ها - ماهنامه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (سال یازدهم، بهمن ۱۳۸۰) شماره ۱۵۶، ص ۴۲
- 2_ Lodge Jams : Terrorism : A Chaienge to The state (onford: Mawfin roberstom 1981) P.5.
- 3_ Thronton, thomas : Terror as a weapon of political Agitation in Internal war. ed.h. Eckstein New York : Free Press 1964.pp 71-99
- 4_ Fraid Lander , Robert A: Terrorism and the Law : what Price Safety (Gaithers burg. md: IACP , 1981) p.3.
- 5_ Sobel Laster. A: Political terrorism (New Uork : facts on File 1975) p.3-12
- 6_ Ruben stein , Rubert : Al chemists of Revolution : Terrorism in the Modern world (New Yourk : Basic Books) 1987.p. Xvi
- 7_ Gren shaw , martha : The ories of Terrorism: Instrumental organizational Approches , in Terrorist organizations ed . Rapport Dird : (Wew York : Columbia University Press 1998) pp.14-15
- 8_ J. Hanle, Donald : Terrorism: The Newest Face of Warfare (Washington. D.C: Progamone- Brasseys International Defense Publisher 1989) pp. 234-235
- 9_ Willkinson, Paul: Terrorism and the liberal state znd ed clondom: Macmillan 1985) p.51
- 10_ I bid
- 11_ I bid p. 54
- 12_ I bid p. 55
- 13_ I bid
- 14_ I bid
- 15_ I bid
- ۱۶ - هرسیچ، حسین. رابطه عملیات تروریستی و سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی - سال شانزدهم، شماره سوم و چهارم - آذر و دی ماه ۱۳۸۰ شماره پیاپی (۱۷۲-۱۷۱) ص ۲۱.
- 17_ Hoffman , Bruce: Terrorism Trends and Prospects 1999.p.11-12.
- 18_ Donnelly, Jack. Human Rights, Democracy and Development, Human Rights

Quarterly. vol21.No. 39 1999. pp.608.632.

19_ Mourgeom, Voir. T: Le Droit de L'Homme puf, 1996, p.79

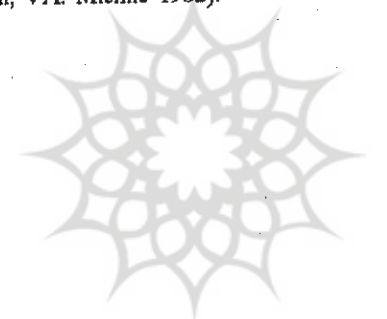
20_ Fontaine, Pascal: L'union Europeene (paris, seuil 1994) p.141.

21_ J.moargeon: op. cit. pp. 79-80

۲۴- کاسسه، آنتونیو: حمله تروریستی به مرکز تجارت جهانی و بر هم خوردن برخی مقوله‌های تعیین کننده حقوق بین‌الملل - ترجمه: زهرا کسمتی - مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی سال شانزدهم - شماره پنجم و ششم - بهمن و اسفند ۱۳۸۰ - شماره پیاپی (۱۷۴ - ۱۷۳) ص ۵۴ - ۵۵

25_ Un. special comittee on international Terrorism.

26_ Richard, B.tlich: Transational Terrorism: conventions of Treaties, Agreaments and Declarations (charlotes Vill, VA: Michile 1982).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی